

چپ های عدالتخواه مرغ عزا، عروسی و قربانی بیرحمی حاکمان دینمدارند!

امیرجواهری لنگرودی

a.javaheer99@gmail.com



دستگیری موج وسیع مترجمین، نویسندگان، ناشرین- اقتصاد دانان و نیروهای چپ عدالتخواه و تحول طلب، خاموش کردن چندین باره صدای چپ و وجدان بیدار عدالت خواهی، نشانه وحشت نظام از گسترش صدای اعتراض جنبش تحول طلب در کف جامعه است. دزدیدن چپ و به زندان کشاندن یکایک آنان محکوم است!

دیگر بار به مانند دهه شصت (۶۰) مشخصا به پیگرد روشنفکران جامعه‌گرا و تحول طلب روی آورده‌اند، روشنفکرانی که در اندیشه جامعه هستند و زحمتکشان و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان کشور، همه عرصه های فعالیت های اجتماعی کشور را در کانون فکر و فعالیت خود قرار داده‌اند.

امروز با گذشت بیش از هشتاد روز از بازداشت همزمان پنج فعال حوزه کتاب و نشر تاکنون هیچ اطلاعی از وضعیت پرونده آنها نیست.

حسن توزنده‌جانی، شاعر و فعال فرهنگی؛ **احسان رستمی**، ناشر، مترجم و کتاب‌فروش؛ **مرجان اردشیرزاده**، مترجم؛ و **رامین رستمی** و **نیما مهدی‌زادگان**، فعال نشر و کتاب از روز ۲۹ مرداد سال جاری با یورش همزمان به منازلشان بازداشت شده بودند که بنابر اطلاعات تأییدنشده، خانم اردشیرزاده هفته پیش آزاد شده است.

احسان و رامین رستمی، حسن توزنده‌جانی و نیما مهدی‌زادگان به همراه مرجان اردشیرزاده همگی در نشر و کتاب‌فروشی **سمندر** مسئولیت یا سابقه همکاری دارند.

نشر سمندر که پیشتر با نام "**عصیان**" فعالیت داشت، از ناشران مستقل ایران است که از سال ۱۳۹۵ تاکنون، آثار قابل توجهی در ادبیات و علوم انسانی منتشر کرده است. بعدتر دوشنبه ۱۲ آبان، پرویز صداقت، محمد مالجو، شیرین کریمی، مهسا اسدالله‌نژاد و هیمین رحیمی از محققان و مترجمان اقتصاد و جامعه‌شناسی بازداشت شدند.

بازداشت پرویز صداقت اقتصاددان و مسئول سایت "**نقد اقتصاد سیاسی**" و فراخواندن **محمد مالجو** اقتصاددانان، پژوهشگر و جامعه‌شناس کشور به مراکز امنیتی و بی‌اطلاعی از وضعیت او نشانه بدشگونی است از ناهنجاری حاکمیت دینمدار در برخورد با روشنفکران چپ جامعه!

در جمهوری خون، جنون و جنایت اسلامی بازداشت و دستگیری، آدم ربایی و مرگ در خیابان قدم میزنند! موج دستگیری در شرایط فقر اقتصادی و فلاکت عمومی نشان داد که این ستیز نابرابر بر چه اساس ناستواری از دل رانتخواری، اختلاس و دروازه گشاد کاسبان تحریم در درون اقتصاد سیاسی تجاوزگر بنا نهاده شده و نیروی سرکوبگر امنیتی بازوان اجرایی آنند. بواقع الیگارشی قدرت و ثروت، اقتصاد

کشور را به انحصار خود درآورده، بهرغم شعارهای عدالت‌طلبانه، سیاست‌های اقتصادی در دهه‌های اخیر در عمل به نفع اقلیت رانت‌جو عمل کرده و می‌کند.

شاید اینگونه باشد که صبح وقتی از خواب بیدار می‌شویم خود را در مکانی بسیار دور میابیم که در آن نه شناختی از انسان هست و نه بویی از تمدن و مدنیت. روزانه دختران سر بریده می‌شوند و به دست فامیل کشته می‌شوند. همواره از دانشگاه استاد و دانشجوی متعهد و تلاشگر دزدیده روانه زندان‌ها می‌گردند و ماموران سپاه در کلاس حاضر می‌گردند. دانشجوی بجای کسب دانش، باید اصول دین بیاموزد. مردمی در گوشه‌ای از جغرافیای ایران، بلوچ نامیده می‌شوند، اصلاً شناسنامه ندارند چه رسد به مدرسه رفتن. روزانه مردم عرب زبان خوزستان در خیابان شکار می‌شوند و خونشان بر سنگ فرش داغ آنجا ریخته می‌شود. نه پرونده‌ای، نه متهمی، نه شکایتی و هیچ دستگاه امنیتی پاسگو نیست. اساساً نه سوالی و نه پاسخی. مرگ یک پدیده آشنا در آن سرزمین می‌باشد. انگار مرگ دوستی است که هر روزه در یک کافه، یک رستوران، سر یک چهار راه با او قرار ملاقات دارید.

جمهوری اسلامی تنها با دستگیری، بازداشت، شکنجه، صدور احکام خشن مرگ و اعدام است که می‌تواند دوام یابد. تنها با کشتار و خونریزی پناهگاه او محسوب می‌گردد. در اساس دیگر حتی سلاح ایدئولوژیک آن هم جوابگو این همه بحران موجود در جامعه نبوده و نیست!

با این اوصاف ولی ما شاهد آن هستیم که این مردم با تمام سیاهی که آنها را احاطه کرده است روزانه پنجه در پنجه این رژیم ضد انسانی سرمایه داری به پیکار خود ادامه می‌دهند و به پیش

می‌روند. گواه این حرف کشته شدگان هر روزه و هر ماهه و هر ساله این مردم می‌باشد. باشد که آفتاب در آید.

باید گفت: آنچه امروز در عرصه نبرد نابرابر ایدئولوژیکی را که از سال‌ها پیش در سطح رسانه‌های رسمی و مصبوعات دولتی و بولتن‌های امنیتی رژیم آغاز شده‌بود، همچون دهه ۶۰ به سطح دزدیدن خیابانی کشانده شد از همین رو امروز فعالان و روشنفکرانی که در اندیشه‌های و عدالت اجتماعی هستند. در اساس یورش به روشنفکران، یورش به جامعه است. آنان موجی از نگرانی را در برابر جنبش آزادیخواهی و جنبش سوسیالیستی در داخل و خارج از کشور فراهم آورده است. ما بر آنیم:

این رویداد تازه ای نیست؛ سرکوب، سانسور، زندان و حذف فیزیکی و اجتماعی دگراندیشان هم در نظام سلطنتی توسط ساواک و هم از نخستین روزهای استقرار جمهوری اسلامی بخشی بنیادی از منطق حکمرانی آن بوده است. اما آنچه اکنون در جریان است، موجی تصادفی یا تاکتیکی نیست؛ بلکه مرحله‌ای تازه در استراتژی بقای نظام است: تشدید سرکوب آگاهانه و هدفمند برای فلج کردن نطفه‌های سازمان‌یابی اجتماعی، جلوگیری از پیوند میان جنبش‌های کارگری، دانشجویی و زنان، مبارزان ملیت‌های گوناگون ساکن ایران و ایجاد فضای رعب پیش از آن‌که بحران‌های اقتصادی و سیاسی به انفجار برسند.

ما در «نگاهی به رخداد های مهم هفته در ایران» به سهم خویش این موج جدید دستگیری‌ها را بشدن محکوم می‌دارد و بر آنیم که باید وسیعاً صدای آنان بود و در سطح افکار عمومی بشریت متریقی خبر رسانی نمود

یکشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۴ برابر با ۰۹ نوامبر ۲۰۲۵

<https://t.me/AmirJavaheriLangroudi>

